



اختیارات و وظایف پلیس در برخورد با جرائم منافی عفت در جلوه قوانین جدید ایران

سارا رستمی*، مهتری تونچیان^۲

۱. استادیار، گروه حقوق، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.

۲. دکتری فقه و حقوق اسلامی، گروه فقه و حقوق، دانشکده علوم انسانی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

چکیده

با ارتکاب جرم قاعدتاً مجرم باید در معرض تعقیب، محاکمه و مجازات قرار گیرد. در اغلب پرونده‌های کیفری اقدامات پلیس به‌عنوان ضابط دادگستری اساس و زیربنای تشکیل پرونده کیفری و از طرفی نیروی انتظامی به‌عنوان یکی از ارکان بدنه قضائی نقش برجسته‌ای در شکل‌گیری دادرسی عادلانه دارد. ضروری است وظایف و اختیارات پلیس به‌عنوان ضابطان دادگستری دقیقاً از سوی مراجع قانون‌گذاری تبیین شود، بالاخص در جرائم منافی عفت که بنای اسلام بر پوشاندن آن است باید با حساسیت و ظرافت خاصی مدنظر قرار گیرد. براساس مقررات آئین دادرسی کیفری و ماده ۲۸ از آن وظایف کلی پلیس که به‌عنوان ضابط و تحت تعلیمات مقام قضائی و زیر نظر وی عمل می‌کند که در این زمینه وظیفه نیروی انتظامی و در جرائم مشهود یا در مواردی که دارای شاکی خصوصی است و یا ارتکاب جرائم منافی عفت به عنف و یا سازمان‌یافته واقع می‌شوند فقط محدود به حفظ آثار و دلایل جرم و جلوگیری از فرار و مخفی شدن متهم است که این محدودیت با شدت و حساسیت بیشتری در جرائم غیرمشهود نقش به خود گرفته، به‌نحوی که نیروی انتظامی حق هیچ دخالتی در این جرائم را که به‌صورت غیرمشهود و در خفا ارتکاب می‌یابند را نداشته و چنین اختیاری فقط به محاکم کیفری و در چهارچوب مقررات قانونی واگذار شده است. براساس ماده ۴۴ از قانون آئین دادرسی کیفری ضابطان دادگستری به‌محض اطلاع از وقوع جرم مراتب را برای کسب تکلیف به مقام قضائی اعلام می‌کنند و خود هیچ اختیاری در این زمینه ندارند که این ممنوعیت مداخله در جرائم منافی عفت به‌دلیل سیاست بزه‌پوشی اسلام و در راستای آن توجیه‌پذیر است. این مقاله با تحلیل انتقادی به مطالعه این اصول و استثنای آن‌ها می‌پردازد.

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۱۷-۳۰

اطلاعات نویسنده مسؤول

ایمیل: Mpj.rostami@yahoo.com

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۹۹/۰۷/۱۸

تاریخ پذیرش: ۹۹/۰۹/۱۷

تاریخ انتشار: ۹۹/۱۰/۱

واژگان کلیدی:

پلیس، جرائم منافی عفت، اشاعه فحشاء، قانون مجازات اسلامی، قانون آئین دادرسی کیفری.

openaccess



مقدمه

شده است که با کمی تغییرات نسبت به سلف خود همان موضع را بیان داشته است.

در این مقاله به مفهوم پلیس و بزه‌پوشی و جلوه‌های آن در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ و در قانون آئین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ اصلاحی ۱۳۹۴ می‌پردازیم. در انتها به مطالعه اصول حاکم بر بزه‌پوشی در این دو قانون ماهوی و شکلی خواهیم پرداخت.

مفهوم پلیس در لغت

از نظر لغوی کلمه پلیس، فرانسوی و از ریشه یونانی Politera به معنای «سازمان سیاسی» و «هنر حکومت کردن» و نیز از کلمه Police، Policia به معنای شهر و جامعه گرفته شده است. (دهخدا، ذیل کلمه و انصاری، ۱۱:۱۳۸۰)

استاد علی‌اکبر دهخدا در معنا و مفهوم کلمه پلیس چنین نوشته است: «پلیس، لفظ فرانسوی که در فارسی به معنی پاسبان اداره شهربانی استعمال می‌شود و پلیس مخفی نیز کاراگاه را گویند، یعنی محتسبی که لباس خاصی ندارد تا شناخته نشود.» (دهخدا، ذیل کلمه)

استاد محمد معین در معنا و مفهوم کلمه پلیس چنین می‌نویسد «پلیس یعنی شهربانی، نظمیه، پاسبان، محتسب و اداره پلیس یعنی سرکلانتری و اداره پلیس مخفی به معنای اداره آگاهی و مأموران آن را کاراگاه می‌گویند.» (معین، ذیل کلمه)

مفهوم پلیس در اصطلاح

امروزه پلیس در معنی لغوی آن به کار نمی‌رود، بلکه هر کجا لفظ پلیس استعمال می‌شود معنای اصطلاحی آن مدنظر است. چنان که فرهنگ لغت آکسفورد، پلیس را در سازمان رسمی که وظیفه‌اش الزام افراد به پیروی از قانون و پیشگیری از جرم و پاسخ به آن می‌باشد تعریف کرده است. (Oxford dictionary, Following word)

از نظر دکترین نیز پلیس در معانی مختلف به کار رفته است. استاد گاستون استفانی برای پلیس سه معنا ذکر کرده است: اول، مجموعه قواعدی است که به وسیله مقامات عمومی به شهروندان تحمیل شده است. دوم، در معنای محدودتر که در این صورت محدود به حقوق اداری می‌شود، پلیس را عملیاتی

اصل کلی آن است که به محض ارتکاب جرم، باید متهم مورد تعقیب، محاکمه و مجازات قرار گیرد. به عبارت دیگر هر پنج مرحله دادرسی شامل کشف جرم، تعقیب، تحقیق، محاکمه و اجرای مجازات در مورد مجرم طی شود. با این حال بنا به جهاتی مانند مصلحت جامعه، قانون‌گذار در مورد جرائم خاصی (منافی عفت) اصل بزه‌پوشی را ملاک قرار داده است. این اصل که از آن به عنوان یکی از اصول مهم در سیستم دادرسی کیفری و به طور اخص در مرحله رسیدگی مقدماتی یاد می‌شود مطمح نظر قانون‌گذار قرار گرفته است. در همین زمینه مقنن در تبصره ماده ۴۳ قانون آئین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب ۱۳۷۸، اجرای امر تحقیق در جرائم منافی عفت را ممنوع اعلام کرده بود؛ لیکن در جهت صیانت از فضای اخلاقی جامعه و حفظ حقوق شاکی خصوصی، این ممنوعیت را در دو مورد تخصیص زده بود که این موارد عبارت بودند از «مشهود بودن بزه ارتکابی» و «وجود شاکی خصوصی» که در موارد دوم یعنی وجود شاکی خصوصی، نیز انجام تحقیق را فقط توسط دادگاه رسیدگی کننده (نه دادسرا) جایز دانسته بود؛ از این رو تا قبل از تصویب قانون مجازات اسلامی (مصوب اردیبهشت‌ماه نودودو)، اعمال اصل ممنوعیت تحقیق در جرائم منافی عفت و اخلاق عمومی مشروط و مقید به فقد شاکی خصوصی و مشهود نبودن بزه ارتکابی بود و در غیر این صورت چنانچه دلیلی در خصوص موضوع مطروحه ارائه نمی‌شد، مقام تحقیق و در موارد صلاحیت دادگاه، قاضی دادگاه از انجام امر تحقیق در خصوص موضوع ممنوع بود؛ اما طرز نگارش ماده ۲۴۱ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، طوری بود که اصل ممنوعیت تحقیق در جرائم منافی عفت را استوارتر جلوه می‌داد، زیرا در این ماده ممنوعیت تحقیق در جرائم منافی عفت، بدون هیچ استثنائی مدنظر تبصره ماده ۴۳ قانون آئین دادرسی کیفری به تصویب رسیده بود. با این حال ماده ۱۰۲ قانون آئین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ اصلاحی ۱۳۹۴ که جایگزین تبصره ماده ۴۳ قانون آئین دادرسی کیفری ۱۳۷۸

انجام می‌دهند و مفهوم خاص پلیس اداری کلیه اقدام‌هایی است که به منظور جلوگیری از وقوع جرائم، بی‌نظمی‌ها و اغتشاشات به عمل می‌آید. (انصاری، ۱۳۸۰: ۲۷)

عمده وظایف پلیس ذیل این عنوان قرار می‌گیرد چنان‌که بسیاری از بندهای ماده ۴ قانون نیروی انتظامی مصوب ۱۳۶۹ ناظر به این وظیفه است، مانند استقرار نظم و امنیت، اقدام لازم به منظور کسب اخبار و اطلاعات در محدوده وظایف محوله، حراست از اماکن و تجهیزات، حفاظت از مسئولان و ... به طور کلی ۲۵ بند از ۲۶ بند ماده ۴ این قانون در حیطه وظایف اداری قرار می‌گیرد.

پلیس اداری عمومی در بر گیرنده مفاهیم امنیت عمومی، آسایش عمومی و بهداشت عمومی است و پلیس اداری اختصاصی دارای دو مفهوم سنتی و جدید است. در مفهوم سنتی، پلیس اختصاصی حکایت از مجموعه وظایف و فعالیت‌هایی می‌کند که از نظر هدف با اهداف پلیس عمومی تفاوت ندارد، لیکن به دلیل تبعیت آن از یک نظام حقوقی خاص از پلیس عمومی متمایز می‌شود. پلیس راهنمایی و رانندگی برای مثال پلیس اختصاصی است که هدف آن برقراری نظم در رفت‌وآمد خودروها است. پلیس راهنمایی و رانندگی تابع سازمان و مقررات خاص است که آن را از سایر پلیس‌های اختصاصی متمایز می‌سازد. پلیس گمرک، پلیس اتباع بیگانه، پلیس راه‌آهن و غیره نیز همان اهداف سنتی نظم عمومی را دنبال می‌کند.

وظایف این پلیس متعدد و در عین حال بسیار مهم است و این وظایف از زمانی آغاز می‌شود که جرمی به وقوع می‌پیوندد. به عبارتی دیگر می‌توان گفت وظایف پلیس اداری ناظر بر قبل از وقوع جرم و وظایف پلیس قضائی ناظر بر بعد از وقوع جرم است. به همین دلیل گفته شده است که وظایف دوگانه پلیس ممیز انفکاک آن‌ها از همدیگر نیست، بلکه وظایف مزبور نشان از پیوستگی آن‌ها است و معرف این است که آن‌ها لازم و ملزوم و متمم و مکمل یکدیگر هستند. (انصاری، ۱۳۸۰: ۲۵) این پیوستگی وظایف اثر متقابلی بر هم دارند، بدان معنا که هر چه میزان عملکرد پلیس اداری بهبود یابد، میزان جرائم کاهش یافته

دانسته‌اند که هدف آن تأمین آرامش، امنیت و سلامت عمومی از راه عمومی یا فردی و به وسیله برخی اقدامات مناسب است و سوم، پلیس طبقه‌ای از کارمندان دولت است که نقش آن عبارت است از تأمین اجرای دستورات عمومی و اقدامات متناسبی که از طرف مقامات پلیس به منظور تحقق هدف اساسی فوق‌الذکر اتخاذ می‌شود. (استفانی، ۱۳۷۷: ۴۳) برخی دیگر پلیس را به عنوان میانجی بین جامعه و سیستم قانونی کشور معرفی می‌کنند. (میرشفیعیان، ۱۳۵۸: ۱۸)

حقوقدانان و نظریه‌پردازان علم حقوق، تعاریف و مفاهیم مختلفی برای واژه پلیس بیان کرده‌اند، پروفیسور «فارالیک» واژه پلیس را چنین تعریف می‌کند:

(پلیس عبارت است از یک سازمان دولتی، که مأموریتش حمایت از قانون اساسی، جلوگیری از تخطی، تأمین نظم عمومی و حفظ جان و مال اشخاص است.) (کی‌نیا، ۱۳۶۵: ۶۷)

با توجه به آنچه درباره پلیس نوشته شد، شاید بتوان تعریفی جامع و مانع در رابطه با پلیس به شرح ذیل ارائه کرد: «سازمان پلیس یک سازمان دولتی است که وظیفه‌اش برقراری و حفظ امنیت عمومی، اجرای مقررات و نظارت اجتماعی، پیشگیری از وقوع جرائم، کشف و تعقیب جرم، مبارزه با بزه‌کار و حمایت از بزه‌دیده می‌باشد».

انواع پلیس

پلیس به اقسام مختلف تقسیم شده است، مانند پلیس اداری و قضائی، پلیس عمومی و خصوصی که در این گفتار به شرح هریک از آن‌ها خواهیم پرداخت.

پلیس اداری و پلیس قضائی

پلیس اداری در دو مفهوم عام و خاص استعمال می‌شود. در مفهوم عام، پلیس اداری هر نوع نظارت و مداخله‌ای که دولت برای حفظ نظم عمومی و فعالیت افراد در جامعه به عمل می‌آورد و طریق دخالت و نظارت در حفظ نظم، وضع آئین‌نامه‌ها و مقررات و اجرای آن‌ها است. در این صورت کلیه مقامات دولتی از رئیس‌جمهور تا یک کارمند ساده کار پلیسی

و در نتیجه اثر مستقیمی بر میزان عملکرد پلیس قضائی خواهد داشت. از طرف دیگر در صورتی که پلیس اداری دارای ضعف باشد جرائم افزایش یافته (نجفی ابراندادی، ۱۳۸۳: ۱۲۹۴)، ناگفته پیداست که در جامعه هر چه در کشف جرم و دستگیری مجرم سرعت داشته باشد معالوف از وقوع جرم زیان می‌بیند و مدت‌ها اثر این جرائم در اذهان باقی می‌ماند. (مه‌بادی، ۱۳۷۵: ۱۸)

وظایف این قسم از پلیس که اغلب از آن‌ها به‌عنوان ضابط قوه قضائیه یاد می‌کنند در ماده ۱۵ قانون آئین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب ۱۳۷۸ در امور کیفری بیان شده است. طبق این ماده، کشف جرم، بازجویی مقدماتی، حفظ آثار و دلایل جرم، جلوگیری از فرار و مخفی شدن متهم، ابلاغ اوراق و تصمیم‌های قضائی از وظایف آن‌ها است. همچنین بند ۸ ماده ۴ قانون نیروی انتظامی در ۹ بند وظایف ضابطین قوه قضائیه را بر شمرده که علاوه بر موارد فوق، مبارزه با مواد مخدر، مبارزه با قاچاق، مبارزه با منکرات، پیشگیری از وقوع جرائم نیز ذکر شده است.

رؤسای این پلیس در ارتباط مستقیم با مقام‌های قضائی بوده و اقدامات قضائی خود را تحت نظارت و تعلیمات آنان به انجام می‌رسانند و باید دارای قابلیت‌های ویژه حقوقی و قضائی باشند. همانند لزوم تشخیص جرم و تفکیک رفتارهای غیرمجرمانه، توانایی در تشخیص مصادیق قالب هریک از آن‌ها، آشنایی با حقوق اساسی متهم و شاکی و شهود و مطلعان، توانایی و تسلط بر مسائل حقوقی و تسلط بر چگونگی انتقال یافته‌های حقوقی خود به دیگران و بالاخره قدرت فهم عدالت ترمیمی و چگونگی به‌کار بستن آن. (بارانی، ۱۳۸۵: ۵۶)

۱- بزه‌پوشی

کشف و آشکار شدن جرم آثار سوء زیادی را متوجه جامعه می‌کند. با گسترش اخبار مربوط به ارتکاب جرم حساسیت عمومی نسبت به آن کم شده و ارتکاب آن عادی جلوه خواهد کرد. این حالت یعنی کاهش زشتی جرم، وحشتناک‌ترین پدیده‌ای است که می‌تواند امنیت و نظام جامعه را متلاشی کند.

(صادقی، ۱۳۷۸: ۱۶۷) خداوند متعال در این خصوص در آیه ۱۹ سوره نور می‌فرماید: «ان الذین یحبون ان تشیع الفاحشه فی الذین آمنوا لهم عذاب الیم فی الدنیا و الاخره والله یعلم و انتم لا تعلمون». یعنی کسانی که دوست دارند کار زشت در میان مومنان شایع شود، برای آنان در دنیا و آخرت عذابی دردناک خواهد بود و این را خدا می‌داند و شما نمی‌دانید. بر این اساس، نهان‌سازی جرم و جلوگیری از افشای زشتی‌ها مورد تأکید آموزه‌های دینی است. جلوه این مباحث دینی و اخلاقی را در حوزه قوانین کیفری ماهوی و شکلی می‌توان در بحث «بزه‌پوشی» جستجو کرد. در بزه‌پوشی هم مقام‌های قضائی مکلف به عدم تحقیق درخصوص کشف بزه هستند (ماده ۱۰۲ قانون آئین دادرسی کیفری)، هم خود مجرم ترغیب به عدم اقرار به بزه (تبصره ۱ ماده مذکور) می‌شود و هم شهود تشویق و راهنمایی به عدم شهادت می‌شوند (تبصره ۲ ماده مذکور). با در نظر داشتن این دو ماده می‌توان بزه‌پوشی را روشی شکلی در قانون آئین دادرسی کیفری دانست که به‌موجب آن مقام‌های قضائی از تحقیق درخصوص کشف جرم و تعقیب آن منع شده و مجرم و شهود نیز به ترتیب تشویق به عدم قرار و گواهی به ارتکاب آن می‌شوند.

البته باید خاطر نشان کرد که در جوامع باستانی و اولیه علل پدیده‌ها را نمی‌شناختند و در نظر آنان پدیده‌ها ناشی از قوای عالی بودند و هر واقعه ناگوار را مستند به قدرتی شوم و اهریمنی می‌دانستند. در آن زمان بزه و جرم، به ماورای گروه کوچک، خانواده و قبیله گسترش نمی‌یافت. قتل یک بیگانه، هیچ واکنشی را در گروهی که مجرم به آن تعلق دارد ایجاد نمی‌کرد؛ بلکه اغلب به‌منزله فتحی بزرگ تلقی می‌شد. در داخل گروه، اعمالی که عمیقاً وجدان جمعی را جریحه‌دار می‌کند تا حدی متنوع بوده و برخوردها نوعاً نسبی بودند و نسبت به یک عمل برخوردهای مشابه‌ای وجود نداشت؛ برای مثال نقض بعضی از تابوها (محرمات مذهبی) در درجه اول اهمیت قرار دارند، در مقابل اهمیت چندانی به زنا محصنه، همجنس‌بازی و فحشا نمی‌دادند (گسن، ۱۳۸۵: ۲۶) که نباید این چنین

حقوق کیفری و جرم‌شناسی در تعریف جرم این است که روش حقوق کیفری تجزیه و تحلیل عناصر تشکیل‌دهنده جرم و تعیین مجازات می‌باشد و به داعی و انگیزه ارتکاب جرم توجهی ندارد؛ ولی در نگاه جرم‌شناسی علل و انگیزه ارتکاب جرم و شخصیت بزه‌کار مورد توجه قرار می‌گیرد. (نجفی‌ابرنادادی، 1388: ۲۵) نکته مهمی که باید مورد توجه قرار داد آن است که بزه‌پوشی بر مبنای رویکرد و شناخت کیفری از جرم پدیدار می‌شود، ولی رویکردهای جرم‌شناختی نیز بر آن تأثیرگذار می‌باشند و به‌طور کلی در نظام کیفری عدالت‌گرا و مجرم‌مدار است که به این پدیده توجه می‌شود.

هر چند قانون مجازات اسلامی از قوانین ماهوی است و نباید امور شکلی مانند ادله اثبات دعوا و نیز مقررات حاکم بر بزه‌پوشی که آن هم از امور شکلی است در آن مطرح شود اما چند ماده ناظر به بحث بزه‌پوشی را می‌توان در این قانون ملاحظه کرد. البته برخی از این مواد که سخت‌گیری نسبت به شرایط مسؤولیت کیفری دارند، ماهوی محسوب می‌شوند مانند ماده ۲۱۷ این قانون که به‌موجب آن: «در جرائم موجب حد، مرتکب در صورتی مسؤول است که علاوه بر داشتن علم، قصد و شرایط مسؤولیت کیفری، به حرمت شرعی رفتار ارتكابی نیز آگاه باشد». آگاهی نسبت به حرمت شرعی رفتار ارتكابی از سخت‌گیری‌هایی است که مقنن نسبت به جرائم مستوجب حد قائل شده و از این حیث سخت‌گیری نسبت به اثبات آن روا داشته است، که به صراحت می‌توان بیان داشت که این سخت‌گیری ریشه در بحث بزه‌پوشی دارد و مقنن با گنجانیدن چنین شرطی در مقررات حاضر، سعی در وارد کردن بحث بزه‌پوشی در این مقررات را دارد. البته این مقرر در مورد جرائم حدی قابلیت اعمال داشته و در جرائم دیگر (مستوجب قصاص و تعزیرات) طبق تصریح صدر ماده ۱۵۵ همین قانون جهل به حکم اصولاً رافع مسؤولیت کیفری و مانع مجازات نیست. ماده ۲۱۸ این قانون نیز مکمل این ماده است. طبق این ماده: «در جرائم موجب حد هرگاه متهم ادعای فقدان علم یا قصد یا وجود یکی از موانع مسؤولیت کیفری را در زمان ارتکاب جرم

مسائل را در حیطه بزه‌پوشی دانست و در مورد قلمرو بزه‌پوشی باید اذعان کرد که نمی‌توان برای این نهاد، قلمروی وسیع قائل بود. به تعبیر برخی از حقوقدانان «سیاست بزه‌پوشی فقط درباره بزه‌کاران اتفاقی قابل اعمال بوده معروفان به شرارت و مجرمان حرفه‌ای را شامل نمی‌شود. به‌علاوه در مواردی که نهان‌سازی جرم مستلزم تضییع مصالح مهم و تقویت حقوق بزه‌دیدگان و انحراف از مسیر درست اداره جامعه و مانند آن باشد، مخفی کردن زشتی‌ها و جرائم جایز نبوده و مأموران رسمی موظف به کشف جرم و مجازات بزه‌کاران شده‌اند». (گسن، 1385: ۱۸۸) مقنن نیز در دو قانون مجازات اسلامی و قانون آئین دادرسی کیفری محدوده بزه‌پوشی را فقط در قلمرو جرائم منافی عفت قرار داده است و البته در همین قلمرو هم استثنائاتی را در نظر گرفته است. در ادامه در مورد این دو قانون صحبت خواهیم کرد. پیش از آن تذکر این نکته لازم است که هدف بزه‌پوشی، حمایت از بزه‌کار و عدم مجازات او نیست، بلکه هدف بزه‌پوشی جلوگیری از ترویج فحشا است. توضیح اینکه با افشای امور زشت و فحشا، آن هم به‌صورت مکرر و هر روزه، از قباحت عمل کاسته شده و افراد مستعد به‌طرف ارتکاب آن کشیده می‌شوند و در نتیجه به مرور باعث عادی شدن جرم می‌شود و این عادی شدن جرم یعنی رواج فساد در جامعه، چه از سوی دیگر شهروندان و چه از جانب بزه‌کار و منجر به افول انسانیت و تباهی آن جامعه می‌شود. پس، بزه مخفی می‌شود تا آثار شوم رواج آن، گریبان‌گیر جامعه نشود.

۲- جلوه‌های بزه‌پوشی در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲

طرح بزه‌پوشی در قوانین ماهوی و کیفری هرکشوری ریشه در تعریف آن از جرم و شناسایی آن دارد، از دیدگاه جرم‌شناسی، جرم به هر فعل یا ترک فعل زیان‌آور فردی یا گروهی گفته می‌شود که مخلاً نظم اجتماعی و مغایر با شئون انسانی باشد ولو اینکه قانون مجازات متعرض به آن نشده باشد. (مظلومان، 1390: ۱۱۰) از منظر حقوق کیفری، جرم، فعل یا ترک فعلی است، که به‌موجب قانون برای آن مجازات تعیین شده باشد. (مظلومان، 1390: ۱۱۱) نکته قابل توجه در ارتباط با دیدگاه

مرعا و منظر عموم صورت گرفته و فاقد خصیصه استتار است؛ از این رو چنانچه جرم ارتكابی مشهود و به تعبیر بند ۱ ماده ۲۱ قانون آئین دادرسی کیفری ۷۸ در مرعا و منظر ضابطان دادگستری ارتكاب یافته باشد، اصل ممنوعیت تحقیق در جرائم منافی عفت مرعا نبوده و مقام قضائی رأساً بدون ارجاع به ضابطان باید تحقیقات لازم را در این خصوص معمول دارند. (گلدوزیان، ۱۳۷۸: ۷۴)

در این ماده در نگاه اول نقض غرض به نظر می‌رسد. چراکه در حالی که این ماده ظاهراً در مقام برداشتن گامی در جهت منع تجسس در امور حیثیتی مردم برابر مسلمات شرع مقدس اسلام است، در را به سوی هرگونه تحقیق و بازجویی در این امور مفتوح می‌دارد. آنجا که گفته شده است "هرگونه تحقیق و بازجویی جهت کشف امور پنهان و مستور از انظار ممنوع است." تبصره ماده ۴۳ قانون دادرسی کیفری ایران سابق مقرر می‌داشت که:

تحقیق در جرائم منافی عفت ممنوع است، مگر در مواردی که جرم مشهود باشد و یا دارای شاکی خصوصی بوده که در مورد اخیر توسط قاضی دادگاه انجام می‌شود.

قانون‌گذار ایران در متن ماده ۴۳ این قانون، دایر بر اختیار دادرس بر خواستار شدن انجام تحقیقات از مأموران انتظامی برای کشف جرم، "موارد منافی عفت" را از شمول آن استثنا کرده است. این ماده با این عبارت آغاز شده و ادامه می‌یابد: "در غیر از موارد منافی عفت، دادرسان و قضات تحقیق، می‌توانند اجرای تفتیش یا ... به ضابطان ارجاع کنند ...". تحقیقات در موارد منافی عفت برابر تبصره آن ماده باید منحصراً توسط قاضی دادگاه انجام شود.

ممنوعیت تحقیق در جرائم منافی عفت در قانون ایران جز در موارد مشهود بودن یا به عبارت دیگر هنگامی که جریحه‌دار شدن عفت عمومی مطرح است، یا شاکی خصوصی وجود دارد، مبتنی بر احکام مسلم‌الصدور اسلامی دایر بر منع تجسس در زندگی اشخاص و هتک حیثیت از مردم است. این‌گونه موارد در شمار بزه‌هایی چون سرقت و آدم‌ربائی و قتل و نظایر آن نیست

کند در صورتی که احتمال صدق گفتار وی داده شود و اگر ادعا کند که اقرار او با تهدید و ارعاب یا شکنجه صورت گرفته، ادعای مذکور بدون نیاز به بینه و سوگند پذیرفته می‌شود». در این ماده ادعای فقدان علم یا قصد یا وجود یکی از موانع مسؤولیت کیفری در زمان ارتكاب جرائم حدی یکی از موجبات بزه‌پوشی دانسته شده است، البته در صورتی که در جرائم محاربه و افساد فی الارض و جرائم منافی عفت با عفت، اکراه، ربایش یا اغفال نباشد، چراکه در این جرائم صرف ادعا، مسقط حد نیست و دادگاه موظف به بررسی و تحقیق است؛ از سویی دیگر این تنها ماده ماهوی است که به نوعی بزه‌پوشی در تمامی جرائم مستوجب حد از آن استنباط می‌شود. از این ماده که بگذریم اولین ماده شکلی در خصوص بزه‌پوشی، که به صورت خلاف قاعده در قانون مجازات اسلامی (ماهوی) ذکر شده و ناظر به بحث بزه‌پوشی است، ماده ۲۴۱ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ است. طبق این ماده: «در صورت نبود ادله اثبات قانونی بر وقوع جرائم منافی عفت و انکار متهم به جز در موارد احتمال ارتكاب با عفت، اکراه، آزار، ربایش یا اغفال یا مواردی که به موجب این قانون در حکم ارتكاب به عفت است هرگونه تحقیق و بازجویی جهت کشف امور پنهان و مستور از انظار ممنوع است».

اولین نکته‌ای که در خصوص این ماده قابل ذکر است اینک است که آنجا که این ماده یک بحث شکلی را مطرح می‌کند، جای آن در قانون آئین دادرسی کیفری و نه قانون مجازات اسلامی است. بدین ترتیب حسب مقررات قانون اخیرالتصویب؛ حتی بر فرض وجود شاکی خصوصی در جرائم منافی عفت، به صرف انکار متهم و نبود ادله اثباتی، انجام هرگونه تحقیق یا بازجویی جهت کشف و اثبات چنین جرائمی ممنوع شناخته شده و فاقد وجهت قانونی است. با این حال تفسیر منطقی ماده مرقوم حکایت از آن دارد که اصل ممنوعیت تحقیق، در آن دسته از جرائم منافی عفت قابل اعمال است که به صورت پنهان و مستور صورت گرفته باشد؛ زیرا اعمال این ممنوعیت به لحاظ جلوگیری از کشف امور مستور و پنهان است، نه اموری که در

مشهود، که بسیار بعید است و «النادرُ کالمعدوم»، نیز مجاز به عمل برابر ماده ۱۸ قانون آئین دادرسی نیستند. در این موارد، که وقوع آنها چون فرض محال است، کافی است که مأمورین انتظامی آنچنان که در خصوص سایر اعمال محل نظم عمومی است و در عین حال جرم نیست مانند از دحام در معبر عمومی، ایجاد سرو صدای زیاد توسط یک عده به تذکر اکتفاء نمایند. " جرایم منافی عفت" را، علیرغم وجه اشتراک کلمه جرم، نباید به مثابه بزه های قتل و جعل و آدم ربایی و امثالهم تلقی نمود. از این جهت در صورتی که مأموران انتظامی افرادی را به اتهام ارتکاب جرم منافی عفت نزد دادرس بیاورند، بر او فرض است که متهمان را به علت خلاف قانون بودن مداخله آنان در جرائم منافی عفت و فقد پیش شرط قانونی لازم برای رسیدگی به جرم، غیرقابل استماع اعلام کرده و قرار منع پیگرد متهمان را صادر کند و از آنجا که این فرض که قاضی شخصاً ناظر عمل منافی عفت باشد، بسیار نادر و در حکم معدوم است، این سخن گزاف نیست که احکام مجازات اعمال منافی عفت در اسلام، جز موارد بسیار استثنائی که خود مثبت اصل است، چون شمشیر داماکلوس جنبه تحذیری دارد تا اجرائی.

ورای این مطلب، ما با مفهوم مخالف آن قسمت از مخصص استثنای ماده ۲۴۱ قانون مجازات هم سخنی نداریم که می گوید: "در موارد احتمال ارتکاب با عنف، اکراه، آزار، ربایش یا اغفال یا مواردی که به موجب این قانون در حکم ارتکاب به عنف است" هرگونه تحقیق و بازجویی جهت کشف امور پنهان و مستور از انظار مجاز است نیز سخنی نداریم. بلکه آن را از این لحاظ که رسیدگی به اعمال منافی عفت به عنف را هم، برخلاف اطلاق تبصره ماده ۴۳ قانون آئین دادرسی کیفری مشروط به علنی بودن آن نمی داند واجد ارزش افزوده می دانیم. هرچند این اشکال در حال حاضر در قانون مجازات عمومی وجود دارد که برای اعمال منافی عفت به عنف غیر از زنا دور از انظار عمومی نص قانونی وجود نداشته و ندارد، چرا که ماده ۶۳۷ قانون مجازات قبلی هم با عنوان "جرائم ضدعفت و اخلاق عمومی" آمده بود و

که مصلحت جامعه و امنیت مردم اقتضای تحقیق مجدانه برای کشف عمل و مجازات مجرم داشته باشد. در این امور برعکس تأکید بر عدم تجسس و ترجیح کتم بر کشف شده است. به نحوی که گفته شد پیش شرط یا مقدمه واجب برای شروع رسیدگی به جرائم این ماده، بنا به حکم تبصره ماده ۴۳ قانون دادرسی کیفری ایران، چون تمامی موارد دیگر منافی عفت، مستلزم احراز یکی از دو شرط است. یکی شکایت شاکی خصوصی و دیگری مشهود بودن جرم. تبصره مذکور بر تمامی نصوص قانونی ناظر بر جرائم منافی عفت حکومت دارد. شرط مشهود بودن جرم برای شروع رسیدگی به "جرائم ضدعفت و اخلاق عمومی" در عنوان آن هم نهفته است. بنابراین چنانچه دو یا چند نفر هر کاری در خفا انجام دهند هر چند از نظر ضوابط عفاف و اخلاقی از نظر عموم مقبول نباشد، لیکن ضدیتی با عفت و اخلاق عمومی ندارد. در نتیجه آنچه مراد از جرائم مستنبط از این عنوان این فصل است، که در ماده ۲۱۰ قانون مجازات قبل از انقلاب به "جریحه دار" کردن عفت عمومی موسوم بود، حاصل نمی شود. در این روابط دور از انظار عمومی تنها مسئله عفاف و اخلاق خصوصی دست اندرکاران این امور مطرح است.

جرم مشهود، که از موجبات شروع تحقیقات است در این باب است در بند "ج" ماده ۶۵ قانون آئین دادرسی کیفری تعریف شده است. این بند در وصف جرم مشهود، آن را مشروط بدین شرط می کند: "در صورتی که قاضی ناظر وقوع آن باشد." همین معنا در بند ۳ در ماده ۳ قانون تشکیل دادگاه های عمومی و انقلاب ۱۳۷۳ هم تکرار شده است.

از آنجا که ماده ۴۳ قانون آئین دادرسی کیفری مأموران انتظامی را از مداخله در امور منافی عفت منع کرده است و حتی دادرس حق دادن هیچ گونه تعلیمی را در این خصوص بدانها ندارد، این گونه جرائم حسب قاعده تخصص از شمول جرائم مشهودی که این مأموران، حسب ماده ۲۱ قانون آئین دادرسی کیفری، صالح به مداخله هستند، خارج می شود. بدین روی مأمورین انتظامی به هیچ وجه حتی در جرائم منافی عفت

بدین مناسبت در بر گیرنده مواردی که این عمل در خفا انجام می‌شود نبود. این نکته اکنون مورد بحث ما نیست.

اشکال ما متوجه صدر ماده ۲۴۱ مورد بحث، یعنی مخصص متصل شرط "در صورت نبود ادله اثبات قانونی بر وقوع جرائم منافی عفت و انکار متهم" است. این شرط از این جهت در بادی امر نقض غرض به نظر می‌رسد، که در تبادر اولیه برخلاف آنچه در حقوق اسلام منع شده است، رسیدگی به هرگونه اعلامی را، ولو اینکه شاکی خصوصی در بین نباشد، مجاز می‌دارد.

احراز بود یا نبود "ادله اثبات قانونی بر وقوع جرائم منافی عفت و انکار متهم" خود مستلزم "تحقیق و بازجویی" و در نتیجه پرداختن به امور پنهان و مستور از انظار" است، که برابر این ماده قرار است ممنوع باشد. برای مثال هنگامی که گفته می‌شود "باز کردن در این جعبه‌ها، جز آن‌هایی که محتوای اسناد هستند ممنوع است"، تا هنگامی که در جعبه باز نشود معلوم نخواهد شد محتویات آن چیست.

این عبارت شرطیه "در صورت نبود ادله اثبات قانونی بر وقوع جرائم منافی عفت و انکار متهم" در صورتی منطبق با نص و روح منابع معتبر اسلامی و قانون آئین دادرسی کیفری سازگار است که تنها ناظر به موردی به شرح آتی که در روایت‌های مربوط به رویه قضائی مربوط به پیامبر و حضرت علی (ع) آمده است تلقی شود. آن مورد اینکه شخص مجرم، بر فرض زانیه، خود داوطلبانه نزد قاضی صالح، نه مأموران انتظامی که مجاز به مداخله در این امور نیستند، به ارتکاب زنا اقرار کند. آنگاه آن‌چنان که سیره این بزرگواران بوده است، دادرس پرسش‌های بیشتری برای القای انصراف از تکرار اقرار به دفاعاتی که مثبت عمل محسوب است از او بکند یا تحقیقات بیشتری تنها در جهت احراز سلامت دماغی مقرر و ایجاد شک و شبهه نسبت به اعتبار اقرار وی به عمل آورد تا مجرای قاعده درعا «تدراً الحدود بالشبهات» و رهایی از عقوبت فراهم شود.

۳- جلوه‌های بزه‌پوشی در قانون آئین دادرسی کیفری ۱۳۹۴

در قانون آئین دادرسی کیفری جدید مصوب ۱۳۹۲/۱۲/۴ و اصلاحی خرداد ماه ۱۳۹۴ برخلاف همه قوانین پیش‌گفته در تبصره ماده ۱۰۲ این قانون بزه‌پوشی به صراحت مورد تأکید قرار گرفته است. در این ماده بیان داشته که:

«انجام هرگونه تعقیب و تحقیق در جرائم منافی عفت ممنوع است و پرسش از هیچ فردی در این خصوص مجاز نیست، مگر در مواردی که جرم در مرعا و منظر عام واقع شده و یا دارای شاکی و یا به عنف یا سازمان‌یافته باشد که در این صورت، تعقیب و تحقیق فقط در محدوده شکایت و یا اوضاع و احوال مشهود توسط مقام قضائی انجام می‌شود.

تبصره ۱- در جرائم منافی عفت هرگاه شاکی وجود نداشته باشد و متهم بدو اقرار داشته باشد، قاضی وی را توصیه به پوشاندن جرم و عدم اقرار می‌کند.

تبصره ۲- قاضی مکلف است عواقب شهادت فاقد شرایط قانونی را به شاهدان تذکر دهد.

تبصره ۳- در جرائم مذکور در این ماده، اگر بزه‌دیده محجور باشد، ولی یا سرپرست قانونی او حق طرح شکایت دارد. در مورد بزه‌دیده بالغی که سن او زیر هجده سال است، ولی یا سرپرست قانونی او نیز حق طرح شکایت دارد.»

همان‌گونه که در این ماده مشخص و مبرهن است در جرائم منافی عفت قانون‌گذار در اقدامی بدیع اصل را بر ممنوعیت تعقیب و تحقیق در جرائم منافی عفت گذارده است و موارد مرعا بودن جرم، دارای شاکی خصوصی بودن و سازمان‌یافته بودن را از این اصل مستثنا دانسته است؛ به‌طور کلی و قاعده عام آن است که دعوی عمومی متعلق به جامعه است و دادستان یا هر نهاد دیگر به نمایندگی از جامعه به تعقیب متهم و به جریان انداختن دعوی عمومی اقدام می‌کند و به این علت دادرسی مجاز نیست که جز در موارد پیش‌بینی شده در قانون، از تعقیب متهم امتناع یا با وی مصالحه کند و یا از اعتراض به حکمی که در آن منافع جامعه رعایت نشده باشد خودداری کند. برعکس دعوی خصوصی کاملاً متعلق به متضرر از جرم است؛ یعنی وی یا وارث و قائم‌مقام قانونی وی می‌توانند از همان ابتدا

محدوده شکایت و یا اوضاع و احوال مشهود توسط قاضی دادگاه انجام می‌شود.

محدودیت و ممنوعیت مذکور، گرچه به منظور بزه‌پوشی، حفظ نظم عمومی، رعایت شأن و حیثیت و حریم خصوصی و شرعی افراد و پرهیز از هرگونه افترای احتمالی به متهم و جلوگیری از گسترش فساد با استفاده از ارتکاب سازمان‌یافته این جرائم است، ولی اساساً این پرسش مطرح است؛ در صورت ممنوعیت هرگونه تعقیب و تحقیق در این باره، چگونه مراتب قابل پیگیری بوده و بدون هرگونه تحقیق یا پرسشی، چگونه این موضوع قابل احراز خواهد بود و با توجه به ممنوعیت بازپرس و دادستان و تجویز تعقیب و تحقیق فقط در محدوده شکایت و یا اوضاع و احوال مشهود توسط قاضی دادگاه، صلاحیت و تکلیف دادستان یا بازپرس در این باره چیست و قبل از صدور هرگونه قرار مجرمیت یا کیفرخواست، پرونده چگونه قابلیت ارسال برای دادگاه را خواهد داشت؟ و نیز وضعیت رسیدگی به جرائم مزبور در موارد غیرمشهود مطروحه چگونه است؟ ماده مزبور در این باره، فاقد صراحت و هرگونه تجویزی بوده و شایسته تدقیق و تکمیل است.

۴- اصول حاکم بر بزه‌پوشی در قوانین ماهوی و شکلی فوق

از دقت در مطالب فوق و تحلیل مواد مذکور در قانون مجازات اسلامی و قانون آئین دادرسی کیفری می‌توان اصول حاکم بر بزه‌پوشی در این دو قانون مهم کشور را به شرح ذیل استخراج کرد.

الف- پذیرش بزه‌پوشی به‌عنوان اصل

فارغ از ماده ۲۴۱ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ مورد توجه قرار گرفته است؛ در ماده ۱۰۲ قانون آئین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ و اصلاحی خرداد ماه ۱۳۹۴، علاوه بر آنکه در تبصره ماده صراحتاً از آن نام برده است، از متن ماده و آنجا که بیان می‌دارد تحقیق در جرائم منافی عفت ممنوع است مبرهن است که قانون‌گذار ممنوعیت تحقیق و تعقیب در این جرائم و بزه‌پوشی در آن را به‌عنوان یک اصل پذیرفته است که این امر یک موضوع بدیعی است و نوآوری قانون‌گذار در این زمینه محسوب می‌شود.

از طرح دعوی خصوصی صرف‌نظر کنند و یا در صورت اقامه دعوی خصوصی در هر یک از مراحل تعقیب، تحقیق و رسیدگی، دعوی خود را مسترد و یا با متهم، صلح و سازش کنند و یا دعوی خود را به شخص ثالثی واگذارند؛ (آشوری، ۱۳۸۷: ۹۶) از این رو خارج دانستن موارد خاصی که جرم شاکی خصوصی دارد از حیطة بزه‌پوشی امری طبیعی می‌باشد که حتی اگر قانون‌گذار بیان نمی‌کرد نیز باید رعایت می‌شد.

در اقدام جالب‌توجه دیگر مقنن در شرایطی که شاکی وجود نداشته باشد و هم‌چنین متهم بخواهد اقرار کند «وظیفه تذر قاضی» بر بزه‌پوشی را مقرر کرده که این امر نیز مقرر قابل توجهی در ترویج و اعمال بزه‌پوشی است که با مبانی فقهی نیز سازگاری دارد. ولی موردی که مورد اغفال قانون‌گذار قرار گرفته و لازم بود با توجه به مبانی بزه‌پوشی در این خصوص هم موضع شفاف قانون‌گذار مشخص می‌شد، در خصوص امکان اثبات چنین جرائمی با سایر ادله اثباتی همچون شهادت شهود می‌باشد که مشخص نشده که مثلاً «چنانچه شهودی بدون آنکه شاکی خصوصی وجود داشته و یا اقراری بدواً به تعبیر قانون‌گذار در این خصوص باشد، آیا باز قاضی به شهود امر توصیه به پوشاندن بزه و عدم شهادت در این خصوص می‌کند؟ یا براساس شهادت افراد، مبادرت به تعقیب و تحقیق در جرائم منافی عفت می‌کند که پذیرش این امر و اجازه تعقیب در عمل منافی با مبانی بزه‌پوشی و نوعی نقض غرض می‌باشد.

از سوی دیگر منع تعقیب در جرائم منافی عفت که در نمود بزه‌پوشی تحقق می‌یابد، در تبصره ذیل ماده ۴۴ قانون قبلی نیز محل توجه قانون‌گذار بوده است. با این وجود، در قانون جدید، ترتیب دیگر و جامع‌تری در این باره مقرر شده است. برابر ماده ۱۰۲ این قانون؛ «انجام هرگونه تعقیب و تحقیق در جرم زنا و لواط و سایر جرائم منافی عفت ممنوع است و پرسش از هیچ فردی در این خصوص مجاز نیست، مگر در مواردی که جرم در مرعا و منظر عام واقع شده و یا دارای شاکی یا به‌عنف یا سازمان‌یافته باشد که در این صورت، تعقیب و تحقیق فقط در

مسموم شده نمی‌توان برای درمان آن، شهری را سم‌پاشی نمود که «ان الله (سبحانه و تعالی) جعل لكل شیء حدًا و جعل علی كل من تعدی حدًا من حدود الله عزوجل حدًا»؛ (کلینی، ۱۴۰۷:۳۰۷) این رعایت محدوده انتشار با تدابیر نظام بزه‌پوشی معمول می‌شود.

۴-۲- شکایت شاکی خصوصی: (حمایت از حقوق دیگران)

«دادخواهی حق مسلم هر فرد است و هر کس می‌تواند به منظور دادخواهی به دادگاه‌های صالح رجوع کند. همه افراد ملت حق دارند این‌گونه دادگاه‌ها را در دسترس داشته باشند و هیچ‌کس را نمی‌توان از دادگاهی که به موجب قانون حق مراجعه به آن را دارد منع کرد». (کلینی، ۱۴۰۷:۳۰۷) این امر مستلزم آن است که مراتب نظام بزه‌پوشی رعایت نشود و جرم تا حدی عیان شود. در اینجا نیز نظام عدالت کیفری موظف بر احقاق حقوق خصوصی و عمومی شهروندان می‌باشد؛ لیکن باید دانست که «اصل، برائت است و هیچ‌کس از نظر قانون مجرم شناخته نمی‌شود، مگر این که جرم او در دادگاه صالح ثابت شود». پس «همه افراد ملت اعم از زن و مرد، یکسان در حمایت قانون قرار دارند و از همه حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با رعایت موازین اسلام برخوردارند». از این رو نظام بزه‌پوشی با تمام توان از حقوق آحاد شهروندان پشتیبانی نموده و با بکارگیری ابزارها و تدابیر ویژه خود، ضمن منظور داشتن خسارات شهروندان، بر امر بزه‌پوشی اقدام خواهد نمود؛ باید در یاد داشت که دستور این است که «فاستر العورة ما استطعت». (دشتی، ۱۳۷۹: 62) که مروی است در «یوم تبلی السرائر»، «رسول خدا (ص) از خدای سبحان درخواست می‌کند که امت او را در حضور فرشتگان و پیامبران و دیگر امتان محاسبه نکند تا عیب‌های آن‌ها بر ایشان ظاهر نشود، بلکه طوری آن‌ها را محاسبه کند که به جز خدای سبحان و پیغمبر او دیگری بر گناهان‌شان آگاه نشود و خطاب الهی رسد که: ای حبیب من به بندگان خود از تو مهربان هستم، چون تو روا نداری که عیوب ایشان نزد غیر تو آشکار شود، من روا ندارم که بر تو نیز ظاهر شود؛ من خود به تنهایی آنان را

ب- پذیرش اصل بزه‌پوشی در قلمرو جرائم منافی عفت و عدم پذیرش آن در سایر جرائم
در سیستم قضائی ایران تنها محلی که بزه‌پوشی جاری می‌شود همان جرائم منافی عفت است که در اصلاحات ماده ۱۰۲ قانون آئین دادرسی کیفری صراحتاً مورد تصریح قرار گرفته است و قانون‌گذار در غیر این مورد، نظام بزه‌پوشی و اعمال آن را مجاز نمی‌داند.

ج- استثنائات بزه‌پوشی در جرائم منافی عفت (تجاوز به عفت و وجود شاکی خصوصی و ...)

که این استثنائات در زیرمجموعه این بحث صراحتاً خواهد آمد. اصل بدیهی آن است که در مواجهه با واقعه مجرمانه باید مراتب بزه‌پوشی مراعات باشد مگر مصلحتی برتر، نیاز عدول از اصل را ایجاب دارد؛ نظیر مصلحت حفاظت از امنیت و اموال عمومی و همچنین مصلحت متهم. اما به طور عام و بعد از وقوع پدیده مجرمانه، از آنجا که هدف اصلی نظام بزه‌پوشی پنهان ماندن و جلوگیری از افشا و اشاعه جرائم در سطح اجتماع می‌باشد، دو مورد از شمول جامع نظام بزه‌پوشی در سیاست جنائی ایران استثنا شده، مشمول برنامه‌های نظام تعقیب و کیفر می‌شود و در این موارد به تدابیر کنترل آثار منفی نظام مجرا بسنده خواهد شد؛ این دو عبارت‌اند از:

۴-۱- جرائم آشکار

عمده تلاش نظام بزه‌پوشی برای این است که پدیده مجرمانه در سطح اجتماع ظاهر نشود؛ با آشکار شدن جرم، چه در جرائم مشهود و چه هر جا که جامعه به نوعی از آن مطلع می‌شود، تلاش در مخفی داشتن جرم و خرج بی‌مورد از حساب نظام بزه‌پوشی، بیم تجزیه متجاهرین به جرم، همچنین مجرمین بالقوه را می‌پروراند، شهروندان را از عدالت مایوس و دوره انتقام شخصی را احیا می‌سازد. از این رو غیرمسلمانان با وجود اینکه از شرب خمر منع نشده، به لحاظ تظاهر به استعمال مسکرات و تداعی جرم، تعزیر می‌شود.

نکته مهم و قابل توجه آن است که در اینجا نیز می‌بایست محدوده انتشار رعایت شود؛ اگر یک محله بر اثر افشا جرم

نمی‌توانند رکن مادی آن را انجام دهد، از این رو علاوه بر اینکه که حضور چند نفر در کنار هم دیگر ضروری است هر کدام از آن‌ها نیز باید عهده‌دار عمل خاصی باشند و در نتیجه هر سازمان بزه‌کار دارای یک تقسیم کار ویژه میان اعضای خود خواهد بود.

نتیجه‌گیری

در بحث سیاست جنائی ایران نیز نسبت به مبحث بزه‌پوشی باید بیان داشت که سیاست جنائی ایران با تأسی از فقه امامیه بحث بزه‌پوشی را در مقرره‌های خود مقرر داشته است. از منظر گونه‌شناسی می‌توان بیان داشت که سیاست جنائی تقنینی ایران در قبال جرائم منافی عفت بر مبنای بزه‌پوشی بنا نهاده شده است و اگر جرائم منافی عفت با عفت ارتکاب نیافته باشد و یا به نوعی آشکارا و سازمان‌یافته نبوده و دارای شاکی خصوصی نباشد، قانون‌گذار تمایل به بزه‌پوشی و عدم تحقیق در مورد آن دارد و این رویه در مراحل به رسیدگی اختصاری نیز تعبیر شده است. در بحث تقنین سیاست جنائی ایران در تبصره ۱ ماده ۴۳ قانون آئین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۷۸ در جرائم منافی عفت تحقیق را ممنوع داشته است، مگر در موردی که جرم مشهور باشد و یا دارای شاکی خصوصی بوده باشد که این رویه به نوعی در ماده ۲۴۱ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ مورد توجه بوده و در همین ماده نیز بزه‌پوشی در مرحله تحقیق مورد تأکید قرار گرفته است که وجود چنین مقرره‌هایی نشان‌گر میل قانون‌گذار به بحث بزه‌پوشی است ولی نکته اوج توجه سیاست جنائی ایران در این مورد را می‌توان در ماده ۱۰۲ قانون آئین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۴ یافت که در تبصره این ماده لفظ بزه‌پوشی به کار گرفته شده و قاضی را در صورتی که متهم بدو قصد اقرار داشته توصیه به بزه‌پوشی می‌کند و تأکید بر این سیاست بزه‌پوشی تا آن درجه از اهمیت قرار دارد که در جرائم منافی عفت، موجب شده تا متهم از ناحیه قاضی ترغیب و توصیه به عدم اقرار شود، هرچند تکلیف گواهی گواهان احتمالی در راستای مبنای بزه‌پوشی و مشارکت گواهان در این خصوص (با ترک اقامه شهادت) همچنان از ناحیه قانون‌گذار مغفول مانده است و از طرفی قانون‌گذار انجام هرگونه تعقیب و تحقیق در جرم زنا، لواط و سایر جرائم منافی

محاسبه می‌کنم چنان‌که جز من کسی بر لغزش‌هایشان آگاه نشود». (عاملی، ۱۴۱۰:۲۶۸)

۳-۴- سازمان یافته بودن

از دیگر ویژگی‌هایی که جرائم منافی عفت را از حیطة بزه‌پوشی خارج می‌کند و در واقع اگر متصف به این وصف باشد از مزایای نظام بزه‌پوشی بهره‌مند نخواهد شد، موضوع سازمان‌یافته بودن است که در اصلاحات خرداد ماه ۱۳۹۴ مورد توجه قرار گرفته است.

در واقع سازمان‌یافته بودن به این معنی خواهد بود که فعالیت‌های غیرقانونی و هماهنگی گروهی منسجم از اشخاص با تباری همدیگر و برای تحصیل منافع مادی و قدرت، به ارتکاب مستمر مجرمانه شدیدی صورت گیرد و برای رسیدن به هدف از هر نوع ابزار مجرمانه نیز استفاده کنند. (شمس‌ناتری، ۱۳۹۱:۲۵)

که البته برای سازمان‌یافته بودن این جرائم ویژگی‌هایی وجود دارد که باید مطمح‌نظر قرار گیرند: (شمس‌ناتری، ۱۳۹۱:۲۹)

۱- ساختار سازمانی: سازمان‌های بزه‌کار دارای نوعی ساختار سازمانی و عمدتاً ساختار هرمی شکل هستند.

۲- استمرار زمانی: یعنی فعالیت‌های آن‌ها مقطعی نیست و به صورت مستمر ادامه دارد.

۳- قدرت مرکزی: که مدیریت واحد و منسجمی را بر کل سازمان و اعضای آن اعمال می‌کند.

۴- سلسله‌مراتب تشکیلاتی: ساختار هرمی شکل علاوه بر اینکه وجود یک قدرت مرکزی را ضروری می‌سازد، به نوعی سلسله‌مراتب تشکیلاتی در سطوح پایین نیز خواهد بود.

۵- محدودیت اعضا: حفظ و تداوم ساختار سازمانی مستلزم وجود نوعی قواعد الزام‌آور است که همه اعضا ناگزیر به رعایت آن می‌باشند.

۶- قواعد الزام‌آور: حفظ و تداوم ساختار سازمانی مستلزم وجود نوعی قواعد الزام‌آور است که همه اعضا ناگزیر به رعایت آن می‌باشند.

۷- تقسیم کار: ماهیت جرائمی که توسط این گونه سازمان‌ها ارتکاب می‌یابند به گونه‌ای است که یک نفر به تنهایی

عفت را جهت کشف امور پنهان و مخفی از دید عموم را ممنوع دانسته است و بیان شده که در این مورد تفحص از هیچ فردی در این مورد مجاز نیست مگر در مواردی که جرم در مرعا و منظر عام باشد یا دارای شاکی خصوصی باشد یا ارتکاب جرائم منافی عفت به عنف یا در حکم آن، اکراه، آزار یا اغفال یا سازمان‌یافته باشد که در این صورت تحقیق جایز دانسته شده است، ولی در این صورت نیز که خلاف اصل بزه‌پوشی است تحقیق فقط در محدوده شکایت و اوضاع و احوال موجود و مشهود قضیه و تنها توسط قاضی دادگاه انجام خواهد شد. در واقع این استثنا نیز منطقی به نظر می‌رسد چراکه در علنی انجام شدن چنین فعلی مصداق بارز قاعده اقدام است و هر فردی که علیه خود اقدام کند شایسته احترام نخواهد بود و از سوی دیگر در بحث شاکی خصوصی نیز قانون‌گذار نمی‌تواند در راستای اعمال مقرر خود حق کسی را زائل سازد. البته باید خاطر نشان کرد که مصلحت جامعه و عدم اشاعه فحشا و منکرات و نیز جلوگیری از ریخته شدن قبح عمل در دید عموم مردم با محاکمه و مجازات جرائم منافی عفت، نیز مزید بر علت شده است که قانون‌گذار به تأسی از فقه، در باب بزه‌پوشی به‌عنوان اصل با تسامح برخورد کرده و موارد استثنا را محدود کند.

ملاحظات اخلاقی

ملاحظات اخلاقی مربوط به نگارش متن و نیز ارجاع به منابع رعایت گردید.

تقدیر و تشکر

از تمام کسانی که ما را در تهیه این مقاله یاری رسانده‌اند، کمال تشکر را دارد.

سهم نویسندگان

نگارش این مقاله بر اساس اصول نگارش مقالات حقوقی در تمامی مراحل تهیه پلان، جمع‌آوری منابع و نگارش توسط نویسنده صورت گرفته است.

تضاد منافع

این پژوهش فاقد هرگونه تضاد منافع است.

منابع و مأخذ

الف. منابع فارسی

- استفانی، گاستون و دیگران (۱۳۷۷). *آئین دادرسی کیفری*. ترجمه: حسن دادبان، جلد اول، چاپ اول، مکان: دانشگاه علامه طباطبایی.
- آشوری، محمد (۱۳۸۷). *آئین دادرسی کیفری*. جلد اول، چاپ سیزدهم، تهران: سمت.
- انصاری، ولی الله (۱۳۸۰). *حقوق تحقیقات جنائی (مطالعه تطبیقی)*. چاپ اول، تهران: سمت.
- بارانی، محمد (۱۳۸۵). *مستندات تخصصی کلانتری‌ها*. تهران: مرکز آموزش فناوری ناجا.
- دشتی، محمد (۱۳۷۹). *نهج البلاغه*. ترجمه، نامه ۵۳، تهران: علامه.
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۳۰). *لغت‌نامه*. جلد سیزدهم، چاپ اول، تهران: دانشگاه تهران.
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۸۹). *لغت‌نامه*. جلد ششم، تهران: دانشگاه تهران.
- شمس‌ناتری، محمدابراهیم (۱۳۸۰). *بررسی سیاست کیفری ایران در قبال جرائم سازمان‌یافته*. رساله دکتری، تهران: دانشگاه تربیت مدرس.
- صادقی، محمدهادی (۱۳۷۸). «بزه‌پوشی». *مجله حقوقی دادگستری*، ۱۳۸۹ (۲۶۷): ۶۵-۶۶.
- کی‌نیا، مهدی (۱۳۶۵). *علوم جنائی*. جلد سوم، تهران: دانشگاه تهران.
- کی‌نیا، مهدی (۱۳۷۰). *مبانی جرم‌شناسی*. جلد اول، چاپ سوم، تهران: دانشگاه تهران.
- گسن، ریموند (۱۳۸۵). *جرم‌شناسی نظری*. ترجمه: مهدی کی‌نیا، چاپ دوم، تهران: مجد.
- گلدوزیان، ایرج (۱۳۷۸). *بایسته‌های جزای عمومی*. تهران: دانشگاه تهران.
- مظلومان، رضا (۲۵۳۶ شاهنشاهی). *جرم‌شناسی (کلیات)*. چاپ دوم، تهران: دانشگاه تهران.
- معین، محمد (۱۳۵۶). *فرهنگ فارسی*. چاپ سوم، تهران: امیر کبیر.
- مهابادی، علی اصغر (۱۳۷۵). «ضابط کیست و ضابطین دادگستری چه کسانی هستند». *نشریه داخلی کانون وکلای دادگستری*، ۱۳۸۹ (۲۰): ۵۴-۵۶.
- میرشفیعیان، مهدی (۱۳۵۸). *پلیس و اجتماع*. چاپ اول، تهران: بی‌نا.
- نجفی‌ابرنادادی، علی حسین (۱۳۸۸). *پیشگیری عادلانه از جرم در علوم جنائی (مجموعه مقالات در تجلیل از دکتر آشوری)*. چاپ دوم، تهران: سمت.
- قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰
- قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵
- قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲
- قانون آئین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب مصوب ۱۳۷۸
- قانون آئین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲

ب. منابع عربی

- کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق (۱۴۰۷ق). *الکافی*. چاپ چهارم، تهران: دار الکتب الإسلامیه.
- عاملی شهیدثانی، زین الدین بن علی (۱۴۱۰ق). *الروضه البهیة فی شرح المعنة الدمشقیة*. جلد دهم، قم: کتابفروشی داوری.

ج. منابع انگلیسی

- Oxford dictionary (2000), ted, oxford university press, united state, 19.



Authorities and Duties of the Police in Confrontation with the Crimes against Chastity as Manifested Iran's New Regulation

Sara Rostami ^{1*}, Mehri Toutouchian ²

1. Assistant professor, Department of law, Payam-e-Noor University, Tehran, Iran.

2. Ph.D, Jurisprudence and Law, Department of Jurisprudence, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

ARTICLE INFORMATION

Type of Article:

Original Research

Pages: 17-30

Corresponding Author's Info

Email: Mpj.rostami@yahoo.com

Article history:

Received: 09 Oct 2020

Accepted: 07 Dec 2020

Published online: 21 Dec 2020

Keywords:

The Police,
Crimes against Chastity,
Promulgation of Vice,
The Islamic Penal Code of Law,
The Law on the Penal Trial,
Procedures.

ABSTRACT

It is with the perpetration of a crime that the criminal should be normally exposed to suing, trial and punishment. In most of the criminal files, the actions by the police, as the executive officers of the justice department and the substructure of the formation of the criminal files, and, on the other hand, the disciplinary force, as one of the pillars of the judicial body, play a prominent role in the formation of fair trial. It is necessary for the legislative officials to exactly elaborate the duties and authorities of the police as the justice department's executive officers, especially, in regard of the crimes against chastity that have to be taken into account with special sensitivity and delicacy for Islam rules that these crimes should not be performed at all. Based on the regulations of the criminal trial procedures and article 28 thereof, the general duty of the police as the justice department's executive officers that work under the teachings and supervision of the judicial authority and that of the disciplinary force in the tangible crimes or in cases that there is a private plaintiff and/or when the forcible crimes against chastity and/or organized crimes are perpetrated is only limited to the preservation of the traces and proofs of the crime and prevention of the culprit's escape and hiding and this limitation has become more intensified and more sensitive in the intangible crimes in such a way that the disciplinary force has no right to get involved in the investigation of such crimes that are perpetrated intangibly and in hidden places and such an authority has been granted to the penal courts and within the framework of the legal regulations. Based on article 44 of the law on penal trial procedures, the justice department's executive officers announce the crime's occurrence upon being informed thereof to the judicial authorities and they have no right to engage in such cases and such a prohibition of intervention in regard of the crimes against chastity has been due to Islam's policy of hiding the offenses hence justifiable in the same line. The present article uses critical analysis method to study these principles and their exceptions.

openaccess



Cite this article as:

Rostami, S & Toutouchian, M (2020). "Authorities and Duties of the Police in Confrontation with the Crimes Against Chastity as Manifested Iran's New Regulation". *Legal Thoughts Journal*, 1(3): 17-30.